سال ۱۳۶۵ | نرخ رشد جمعیت ما حدود ۳/۹ درصد بوده و این نرخ در پایان سال ۱۳۹۸ به کمتر از یک درصد کاهش پیدا کرده است / عکس: مجید آزاد

گفت‌وگو با دبیر مرکز مطالعات راهبردی جمعیت درباره آنچه بحران کاهش جمعیت خوانده می‌شود

تمدن شرق در خطر است!

میثم اسماعیلی

جامعه

پرسیدن از صالح قاسمی که پژوهشگر تحولات جمعیتی است و سال‌ها در این حوزه پژوهش و تحقیق کرده و چند فرزند دارد، می‌تواند متهم به زردشدن این گفت‌وگو شود، به این‌که در جایی که بحث جدی است پیش کشیدن چنین ماجرای شخصی تنها سوگیری رسانه‌ای است و به قولی بُل گرفتن از مصاحبه شونده! اما جالب این بود که اتفاقا پیگیری در بحث تحولات جمعیتی برای صالح قاسمی از همین ماجرای شخصی آغاز شده است. این‌که در ۲۱ سالگی ازدواج کرده و یکسال بعد از آن صاحب فرزندی شده است، این‌که ده سال بعد از آن به دلایلی نتوانسته‌اند فرزندی داشته باشند و مشکلات بسیاری در آن دوران متحمل شده‌اند و همه این اتفاقات باعث شده کلیت این موضوع برای او به‌صورت دغدغه مهمی تداوم یابد. او حالا دبیر مرکز مطالعات راهبردی جمعیت است و این سال‌ها فعال‌تر از گذشته در رسانه‌ها حضور دارد؛ چراکه معتقد است زنگ هشدار بحران جمعیتی حالا مدت‌هاست به صدا درآمده و انفعال در برابر آن می‌تواند منجر به از بین رفتن تمدن شرق در ۲۰ سال آینده شود.

مهم‌ترین پیامد کاهش جمعیت در جامعه ایرانی چیست؟

در سال ۱۳۹۹ در آستانه ورود به یک بحران فراگیر جهانی هستیم و شرایط هشدار جمعیتی را تجربه می‌کنیم. تقریبا همه شاخص‌های جمعیت‌شناسی کشور ما روند نامطلوبی را طی می‌کنند و زنگ خطر و هشدار جمعیت، سال‌ها پیش به‌صدا درآمده است. در حالی سال ۱۳۶۵ نرخ رشد جمعیت ما حدود ۳/۹ درصد بوده که این نرخ در پایان سال ۱۳۹۸ به کمتر از یک درصد کاهش پیدا کرده و برای نخستین بار در تاریخ ایران. و نه انقلاب. نرخ رشد جمعیت ما به کمتر از یک درصد تنزل پیدا کرد.

این آمار تا حدودی در رسانه‌ها تکرار شده؛ ادامه این روند ما را به کجا می‌رساند؟

با ادامه این روند ۱۵ تا ۲۰ سال آینده نرخ رشد صفر درصد را تجربه خواهیم کرد و این به مفهوم توقف رشد جمعیت است و بعد از آن با رشد منفی شاهد کاهش رشد جمعیت خواهیم بود. همین داده‌ها یک شاخص است که نشان از نامطلوبی اوضاع در این حوزه دارد.

این نامطلوبی چه پیامدی داشته و چه تهدیدی برای جامعه ایرانی است؟

وقتی نرخ رشد جمعیت صفر شود به این مفهوم است که جمعیت نه افزایش دارد و نه کاهش، اما با توجه به این‌که حتما ما نرخ رشد منفی را تجربه خواهیم کرد یعنی شاهد کاهش جمعیت خواهیم بود. با این روند حوالی سال ۱۴۱۵ تا ۱۴۲۰ جمعیت ایران حدود ۹۲ میلیون خواهد بود. بیش از ۳۰ میلیون نفر از این جمعیت را اما جمعیت سالمند ما تشکیل خواهند داد که این به‌تنهایی یک تهدید مهم است. سالخوردگی جمعیت آن هم با این نسبت بالا به این مفهوم است که ما حتما نرخ تولید ناخالص ملی‌مان کاهش پیدا می‌کند. در کنار آن نیروی کار ما کاهش خواهد داشت و محتاج نیروی کار از خارج از کشور خواهیم بود و به همین واسطه شاهد خرج ارز از کشور خواهیم بود و ما به یک وارد کننده بزرگ تبدیل خواهیم شد. ساختار تامین اجتماعی و حمایت‌های این‌چنینی در کشور ما تضعیف و شاید هم ورشکست خواهد شد. به همه اینها اضافه کنید آوار مشکلاتی که به شبکه بهداشت و درمان کشور وارد می‌شود و همه اینها به کاهش ضریب امنیت ملی کشور منجر می‌شود. اینها تنها نمونه‌هایی از پیامدهایی است که جامعه ایرانی با ادامه این روند به آن دچار می‌شود.

فکر می‌کنم تا حدود زیادی جامعه ایرانی از تهدیدات مورد اشاره شما هم مطلع باشد. اگر نه با این جزئیات حداقل از علاقه جامعه ایرانی به فرزندآوری از منظر فرهنگی نمی‌توان گذشت. هر چند معتقدم که شرایط رفاه اقتصادی بزرگترین مشوق در فرزندآوری است، اما حالا حاکمیت در این راه چقدر گام برداشته است؟ نهادها به خطراتی که چنین مواردی ما را تهدید می‌کند، آگاه هستند؟

البته که شرایط رفاه اقتصادی در الگوی فرزندآوری خانواده‌های ایرانی تاثیرگذار است و در این مورد هیچ تردیدی وجود ندارد اما در این حوزه از متغیری غفلت شده به نام سبک زندگی که در بسیاری از موارد سهم قابل توجه و بیشتری از شرایط اقتصادی در این حوزه داشته است. معمولا سبک زندگی و نگرش عمومی به فرزندآوری متغیری است که در بحث تحولات جمعیتی مورد غفلت واقع شده است.

شما فکر می‌کنید چطور این متغیر موثر برای جامعه ایرانی شکل گرفته است؟

وقتی یک موضوعی طی سال‌ها به عنوان ضدارزش معرفی می‌شود تاثیرات بسیاری خواهد داشت. ما قرار بود تا پنج سال به‌طور موقت فرزندآوری و نرخ باروری را کاهش بدهیم. این سیاست پنج‌ساله را به طور بی‌محابا و بدون رصد تا ۲۵ سال ادامه دادیم تا رسیدیم به این جایی که هستیم و الان مردم این‌طور باور کرده‌اند و در جامعه ما به شکل یک فرهنگ رسوخ کرده که فرزند کمتر به مفهوم زندگی بهتر است. در حالی که این گزاره درستی نیست.

این گزاره برای بنده اما درست است. من به عنوان یک متولد اواخر دهه ۵۰ که در چهل سالگی هستم و همیشه به من به عنوان یک معضل و مشکل نگاه می‌شده این یک گزاره حقیقی است. برای من به عنوان کسی که تجربه چند شیفتی مدارس، نبود شیرخشک، کنکور چند مرحله‌ای، نبود دانشگاه، شغل و حالا هم مسکن روبه‌رو هستم این گزاره واقعی است. جالب این‌که حالا از همین نسل انتظار فرزندآوری دارید، نسلی که مشکلش اتفاقا از یاد یکباره جمعیت بوده است.

این را می‌پذیرم اما بخش قابل توجهی از این باور به واسطه القای شرایطی است که از همان زمان ایجاد شده و البته کوتاهی مسؤولان و شرایط اقتصادی به این مساله عمق داد. ما در موضوع تربیت، آینده فرزندان و والدین وقتی دقیق شویم می‌بینیم الگوهای تک‌فرزندی که فرزند کمتر را تبلیغ می‌کنند منجر به زندگی بهتر برای ما نمی‌شود.

ما برای برطرف کردن این باور اشتباه اجتماعی چه کردیم؟

هیچ اقدامی در جهت حمایت خانواده و فرزندآوری اتفاق نیفتاده و این در حالی است که رهبر معظم انقلاب هشت سال است در این باره هشدار می‌دهد و شاید جزو پرتکرارترین مطالبات رهبر انقلاب موضوع جمعیت بوده است.

پس چرا اجرایی نشده است؟

چه در شرایط فعلی یعنی بعد از ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت و چه در سیاست پیشین یعنی سیاست تنظیم خانواده که در اواخر دهه ۶۰ و در دهه ۷۰ اجرا شد تمام کسانی را که بحث جمعیتی را دنبال می‌کنند به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ یک اکثریتی که از روی غفلت و عدم فهم اهمیت موضوع، اولویت این مساله راهبردی را متوجه نشدند و در کنار این اکثریت غافل، یک اقلیتی حضور دارد که عمدی و آگاهانه با موضوع افزایش جمعیت مخالفت می‌کنند. وقتی پیگیری کنید متوجه می‌شوید که آنها سر از برخی از ابرپروژه‌های مهندسی-اجتماعی جهان برمی‌آورند و به مراکزی متصل هستند که در پی آنند که جمعیت تمدن شرق به ویژه جهان اسلام متوقف شود و بهترین راه برای این قصدشان، توقف جمعیت جوان و پویای این تمدن است. از قضا چند نفری در پی این موضوع بازداشت شدند که در سطوح بالای مباحث جمعیت شناختی حضور داشتند و با آمارسازی و اطلاعات غلط باعث تصمیمات اشتباه مسوولان می‌شدند.

همزمانی برخی از اخبار همچون خبر جمع‌آوری ابزار پیشگیری از بارداری و تسهیل قانون صدور شناسنامه با نام فرضی پدر برای فرزندان حاصل از روابط نامشروع که به نقل از سازمان ثبت احوال اعلام شد و البته آمار عجیبی از میزان سقط جنین از سوی شما ناخودآگاه ذهن افکار عمومی را به این سو می‌برد که به جای سیاست‌های تشویقی قرار است به‌نوعی در این حوزه اجبار جایگزین شود.

هر چند موضوع مطرح شده از سوی سخنگوی سازمان ثبت احوال تکذیب شد اما به نظر من در مطرح کردن اخبار جمعیتی با یک سوگیری مواجهیم که ابعاد خاصی از این اخبار منتشر می‌شود. به عنوان مثال درباره همین خبر محدودشدن ابزار پیشگیری در حالی که هیچ‌گاه این موضوع در کشور مطرح نبوده است. با توجه به این‌که می‌دانیم بحث فرزندآوری تابع شرایط فرهنگی و نگرش مردم است و حتی اگر این ابزار محدود شوند نه تنها منجر به افزایش فرزندآوری نمی‌شود که منجر به افزایش سقط جنین می‌شود.

سقط جنین چقدر در این حوزه به عنوان یک شاخص تاثیرگذار است؟

موضوع سقط جنین پدیده‌ای خیلی پیچیده و جزو متغیرهایی است که در حوزه جمعیت نقش بسیاری ایفا می‌کند. اولین نکته این که کمتر از ۴ درصد از سقط‌هایی که در کشور اتفاق می‌افتد حاصل از روابط نامشروع است، اما در آمار سقط شاهد عدد بسیار بالایی هستیم. ۲ درصد از سقط‌ها به‌واسطه مشکلات پزشکی است که بالغ بر ۸۰۰۰ مورد در سال است. ۳ درصد دیگر این سقط‌ها به پیشنهاد پزشکان صورت می‌گیرد و به واسطه خطرهایی است که مادر را تهدید می‌کند. اخیرا البته مواردی مشاهده کردیم که برخی از پزشکان با زیرپاگذاشتن اخلاق پزشکی مجوزهای بی‌دلیل برای انجام سقط می‌دهند. تعداد این ۳ درصد هم حدود ۱۲ هزار سقط در سال بوده و باقی‌مانده آن که حدود ۹۵ درصد و شامل ۳۵۰ هزار مورد سقط جنین در سال است که با ۲۰ هزار مورد قبلی مجموعا ۳۷۰ هزار سقط جنین در سال را تشکیل می‌دهد. ۹۵ درصدی که شامل ۳۵۰ هزار مورد است را «سقط جنایی» نامگذاری کردیم که بدون مجوز و خارج از شبکه بهداشت صورت می‌گیرد و غیرقانونی و غیرشرعی است.

این‌که خارج از این شبکه صورت گرفته پس چطور آماری از آن دارید؟

وزارت بهداشت همیشه در حال رصد این موارد است و مراکزی که این کار در آن صورت می‌گیرد معمولا رصد می‌شود و البته که تعدادی از این آمار را به صورت تقریبی می‌دانند. ضمن این‌که مراجعاتی که به این مراکز صورت می‌گیرد قابل محاسبه است. این اعداد و ارقام حتی تا ۵۰۰ هزار مورد در سال هم اعلام شده اما حداقل از ۳۷۰ هزار مورد در سال ۳۵۰ هزار مورد آن سقط جنایی است. این تعداد معادل یک سوم تعداد متوفیان کشور است که بسیار هولناک بوده و بدتر این‌که این کار از سوی والدین صورت می‌گیرد و هولناکی این ماجرا را دوچندان می‌کند. فارغ از آن پیامدهای پزشکی و روحی و روانی این موضوع روی خانواده‌هاست که کمتر به آن پرداخته شده است. پنهان‌کردن این موضوع و تابوبودن آن در رسانه‌ها مشکلی را حل نمی‌کند و اتفاقا باید پیامدهای این پدیده برای مردم تبیین شود.

یادداشت

دکتر فاطمه ترابی

مدیر گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

یک سیاست هزار جمعیت

واقعیت این است که جمعیت همگون نیست. یعنی جمعیت از گروه‌های مختلفی از افراد و اقشار گوناگون تشکیل شده که هرکدام از نظر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... با همدیگر فرق دارند.

برای همین است که سیاست‌های فرزندآوری به صورت کلی برای قشرهای متفاوت نتیجه مطلوبی ندارد. یعنی این سیاست‌ها برای گروه‌های مختلف جمعیت باید به طور خاص مشخص شود تا بتواند اثربخش باشد.

ماجرا این است که نقشه راه و اهداف مشخص است ولی برای به نتیجه رسیدن باید مداخلاتی در این سیاست‌ها به طور خاص و برای هر گروه تعریف شود که هرکدام از این گروه‌ها را به صورت حداکثری تحت‌تاثیر قرار دهد.

این‌که چرا سیاست‌های فرزندآوری اجرایی نشده یا به نتیجه نرسیده، از پیچیدگی جامعه سرچشمه می‌گیرد. در واقع در ابتدا باید نیازها، انگیزه‌ها و علائق افراد گروه‌های مختلف جامعه را بشناسیم و بعد بر اساس آن رفتار کنیم.

ذات فرزندآوری آن چیزی نیست که افراد به آن تمایل نداشته باشند. نتایج پیمایش‌هایی که تا به حال انجام شده نشان می‌دهد تقریبا به طور متوسط، افرادی که ازدواج کرده‌اند، نیاز به فرزند را در زندگی خود می‌بینند، اما این نیاز در کنار ویژگی‌های مختلفی مانند مسائل فرهنگی، سبک زندگی، مشکلات اقتصادی و... قرار می‌گیرد. مثلا برای گروهی خاص ممکن است با برطرف شدن مشکلات اقتصادی به سطح مطلوبی از فرزندآوری برسد. از طرفی، خانواده‌ای دیگر، انگیزه‌ای برای فرزندآوری ندارد و احتمالا دیدگاهی فردگرایانه دارد و به دنبال رفاه بیشتر است.

طبیعتا برای این گروه، سیاست فرزندآوری به فرهنگ‌سازی برای تغییر علائقش نیاز دارد. در حقیقت سیاست کلی که بیان اهمیت فرزندآوری در سطح جامعه و برای خانواده‌هاست، تعریف شده اما مداخلاتی به صورت چند بعدی یا چندلایه هم باید برای هر قشر و گروهی از جامعه اجرایی شود. برای مثال زوجی که به تازگی ازدواج کرده، داشتن شغل پایدار و مسکن مناسب دغدغه فرزندآوری است، اما برای زوج دیگر که دهه سی‌سالگی را رد کرده، فرزند اول را دارد و در شرایط تقریبا مناسبی از مسائل اقتصادی ایستاده است، به مداخلات دیگری مانند خدمات مهد کودک مناسب نیاز دارد تا برای فرزند دوم تشویق شود.

در نهایت و به طور کلی باید گفت یک جمعیت، از گروه‌های مختلفی تشکیل شده که هرکدام ویژگی‌های خاص خودش را دارد و برای این‌که در هر گروه، به نتیجه مطلوبی در فرزندآوری برسیم، باید انواع مداخلاتی طراحی شود که افراد را در گروه‌های مختلف تحت تاثیر قرار دهد.

حق با شماست

info@jamejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#سرعت-گیر-شریعتی

یاری از تهران:

خیابان شریعتی حدفاصل سیدخندان تا اتوبان شهید همت نیاز به سرعت‌گیر دارد، چرا که خودروها با سرعت زیاد از این منطقه عبور می‌کنند.

#فدراسیون-فوتبال

صالحی از تهران:

چرا فدراسیون فوتبال و وزارت ورزش، یک‌بار برای همیشه شفاف‌سازی نمی‌کند که طرفدار هیچ تیمی نیست؟ این اقدام می‌تواند حواشی ایجاد شده را از بین ببرد.

#مترو-تهران

حقانی از تهران:

با توجه به وضعیت بیماری کرونا، خط یک متروی تهران با عنایت به حضور مسافران بی‌شمار، بسیار خطرناک است؛ ازدحام بیش از اندازه یکی از عوامل اصلی شیوع بیماری کروناست.

#یارانه-بگیران

فرامند از ساوه:

بازنشسته با درآمدی حداقلی هستم که از همان ابتدا جزو یارانه‌بگیران نبودم، زمزمه افزایش ۶۰ هزار تومانی یارانه نیز به گوش می‌رسد و بنده همچنان جزو بازماندگان از دریافت یارانه‌ام چرا دولت محترم برای تعیین تکلیف افرادی مانند بنده تجدیدنظر نمی‌کند؟

#اتوبوس-تندرو

داوودی از تهران:

قسمت مخصوص بانوان در اتوبوس‌های تندرو خط تهرانپارس-آزادی بسیار کم است، بیشتر فضای اتوبوس‌های تندرو به آقایان اختصاص داده شده است. چرا؟

#واکسن-آنفلوآنزا

شهروندی از اصفهان:

بیش از پانزده سال است که به علت ابتلا به بیماری قلبی و داشتن فشارخون، هر سال در شهریور ماه واکسن آنفلوآنزا تزریق می‌کنم، اما امسال هنوز سهمیه واکسن خود را دریافت نکرده‌ام. چرا؟

#افزایش-واگن-مترو

کرد از تهران:

واگن‌های خط ۳ متروی شهر تهران با توجه به تاخیر و فاصله حرکت بین قطارها بسیار شلوغ می‌شود و مسافران کماکان منتظر افزایش تعداد قطارها هستند.

#واسطه-گری

شیرزاد از سمنان:

با توجه به تعطیلی بسیاری از واحدهای تولیدی، برخی از شاغلان واحدهای تعطیل‌شده رو به دلالی و واسطه‌گری آورده‌اند و این موضوع خود عامل گرانی شده است. چرا مسؤولان با این معضل برخورد نمی‌کنند؟